بخشی از

فصل دوم

کتاب فارسی دوم

انتشارات تک رقمی‌ها

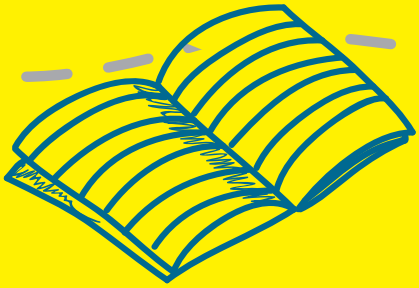

انتشارات مزینانی

فارسی

سال دوم دبستان

فارسی / سال دوم دبستان
انتشارات مزینانی

به‌نام خداوند خرد و اندیشه

فارسی

سال دوم دبستان

طاهره آدم‌بیک

خط به خط کتاب درسی

اهداف

معنی واژه، بیت و عبارت

ایستگاه دستورزبان

یادآوری

تمرین

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

انتشارات مزینانی
MAZINANI PUBLICATIONS

دبستانیا

می‌تونین با ما بهترین باشین

درس دوم : مسجد محلّه‌ی ما

هدف کلّی: آشنایی با مکانی به نام مسجد، فعّالیّت‌های آن و تقویت روحیه‌ی مشارکت در کارها

مردم محلّه‌ی ما بسیار خوشحال بودند. کار بنّایی مسجد، تازه تمام شده بود. مردم می‌خواستند برای اوّلین بار، نماز را به جماعت در این مسجد بخوانند. مسجد چراغانی شده بود. حوض مسجد پُر از آب بود. مهدی با پدر و مادرش، گلدان‌های پرگلی را که آورده بودند، کنار حوض قرار دادند. چند نفر هم شیرینی و شربت به مردم می‌دادند.

نشانه‌ی «و» در کلمات، صداهای مختلفی دارد:

الف) گاهی صدای «او» می‌دهد، مانند : بود، خوب، گوش، آموزش

ب) گاهی صدای «اُ» می‌دهد، مانند : خوشحال، حوض، مادر و پدر

پ) گاهی صدای «واو» می‌دهد، مانند : اوّلین، آورده، وقتی، می‌توانیم

ت) در بعضی از کلمه‌ها، قبل از «و» حرف «خ» می‌آید و حرف «و» بی‌صدا می‌شود، مانند : می‌خواستند، بخوانند

بسیار: خیلی، زیاد / خوشحال: شاد / جماعت: گروهی از مردم

بعد از نماز، امام جماعت از همه‌ی کسانی که در ساختن مسجد، کمک و همکاری کرده بودند، تشکّر کرد و گفت: «مسجد، خانه‌ی خداست. وقتی برای خواندنِ نماز به مسجد می آییم، از حال یکدیگر باخبر می‌شویم و با هم‌فکری، می‌توانیم کارهای خوب و بزرگ انجام بدهیم».

به معنی کلمه‌های زیر دقّت کن:

خبر ⇐ با خبر : کسی که از چیزی آگاه است.

دقّت ⇐ با دقّت : کسی که در کارها دقّت دارد.

در بعضی از کلمه‌ها «با» جزء خود کلمه است و به کلمه‌ی دیگری اضافه نشده است؛ و اگر آن را از کلمه جدا کنیم، کلمه بی‌معنی می‌شود و معنی اوّل خود را نمی‌دهد، مانند : بادبادک، باران

امام: رهبر / کمک: یاری / باخبر: آگاه

هنگامی که مهدی با پدر و مادرش از مسجد خارج می‌شدند، مهدی رو به مادرش کرد و گفت: «من با دقّت به حرف‌های پیش‌نماز گوش دادم. سخنان او جالب بود. من همیشه فکر می‌کردم، مردم برای نماز خواندن به مسجد می آیند؛ نمی‌دانستم که مسجد محلّه‌ی ما کلاس‌های آموزش قرآن، نقّاشی، رایانه و عکّاسی دارد. در آنجا کتابخانه‌ی خوبی نیز برای کودکان وجود دارد. مادر جان! من هم دلم می‌خواهد در یکی از این کلاس‌ها، شرکت کنم و از کتابخانه‌ی آنجا استفاده کنم».

هنگامی: وقتی، زمانی / پیش‌نماز: امام جماعت / سخنان: حرف‌ها / استفاده کردن: بهره بردن

مادر و پدر، لبخندی به مهدی زدند و با هم به طرف خانه رفتند.

طرف: سمت

ت ت ت

خوب فکر کن و به پرسش‌ها پاسخ بده.

الف) در مسجد چه کارهایی انجام می‌شود؟ .....

ب) آیا شما در محلّه‌ی خود مسجد دارید؟ نام آن را بنویس. .....

در هر ردیف با دو کلمه، یک جمله بساز.

امامِ جماعت .....

کتابِ خوب .....

مسجدِ محلّه .....

خدایِ مهربان .....

حوضِ آب .....

کلمه‌های در هم ریخته را مرتّب کن و جمله‌ی درست را بنویس.

.....

.....

.....

ابتدا متن درس را با دقّت بخوان و کلمه‌های خواسته شده را پیدا کن و بنویس.

الف) دو کلمه که تشدید دارد؟ .....

ب) دو کلمه که نشانه‌ی «و» در آن‌ها صدای «اُ» بدهد؟ .....

پ) کلمه‌هایی که به آن‌ها «با» اضافه شده است؟ .....

تا به حال برای زیارت به چه مکان‌هایی رفته‌ای؟ آن‌ها را بنویس.

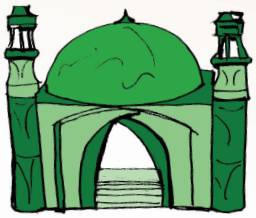

کلمه‌های زیر را با توجّه به نشانه‌ی صدای اوّل آن‌ها در جدول بنویس.

ج	چ	ح	خ

کلمه‌های زیر را به ترتیب حروف الفبا بنویس.

دوست ، فکر ، پرنده ، کلاس ، آموزگار ، صدا

به آخر کدام‌یک از کلمه‌های زیر، می‌توان «ای» اضافه کرد؟ آن‌ها را بنویس.

ماه ، محلّه ، خانه ، سیاه ، تازه ، استفاده ، نگاه ، راه

به کدام‌یک از کلمه‌های زیر، می‌توان «با» اضافه کرد؟ آن‌ها را در جای خالی بنویس.

دندان ، سلیقه ، محبّت ، خوب ، هنر ، کتاب ، حوصله ، مسجد ، تربیت

کلمه‌های زیر را با توجّه به صدای «و» در جدول قرار دهید.

صدای «او»	صدای «اُ»	صدای «واو»	«و» بی‌صدا

هر کلمه را به معنی مناسب وصل کن.

با ایمان	یعنی کسی که سواد داشته باشد.
با دقّت	یعنی کسی که از چیزی خبر داشته باشد.
باخبر	یعنی کسی که ایمان داشته باشد.
باسواد	یعنی کسی که در کارها دقّت داشته باشد.

یک بار متن را با دقّت بخوان، سپس کتاب را بسته و هر تعداد کلمه‌ای را که از درس در ذهنت مانده است، بنویس. سپس کتاب را باز کن و کلمه‌ها را تصحیح کن و برای هر کلمه‌ی درست یک امتیاز به خودت بده.

امتیاز خودم

نوشته‌های کم‌رنگ زیر را پررنگ کن و یک بار هم با دقّت، زیر آن بنویس.

ب پ ت ث پا تا ثا نا یا

آب باب تاب آباد آداب داراب دریاب ارباب

چغندر پربرکت

هدف کلّی: تقویت فرهنگ کتابخوانی و مشارکت در کارها

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. پیرمرد و پیرزنی با دو نوه‌ی کوچکشان در مزرعه‌ای زندگی می‌کردند. پیرمرد هر سال در مزرعه‌اش چیزی می‌کاشت. آن سال هم تصمیم گرفت، چغندر بکارد. پیرمرد و پیرزن و نوه هایشان مثل هر سال، زمین را آماده کردند و تُخمِ چغندر را پاشیدند. چیزی نگذشت که مزرعه، سرسبز شد و برگِ چغندرها بزرگ و بزرگ‌تر شدند.

مزرعه‌ای: کشتزاری / تخم چغندر: دانه‌ی چغندر / سرسبز: خرّم

یک روز، پیرزن خواست آش چغندر بپزد. پیرمرد گفت: «همین حالا می‌روم و برایت یک چغندرِ رسیده می‌آورم».

چغندر رسیده: چغندری که آماده‌ی برداشت است.

پیرمرد به مزرعه رفت و چغندری را انتخاب کرد. بعد هم برگ های آن را گرفت و کشید امّا چغندر بیرون نیامد. پیرمرد که خسته شده بود، پیرزن را صدا کرد. پیرزن آمد. پیرمرد برگ‌های چغندر را گرفت. پیرزن، شالِ کمر پیرمرد را گرفت. با هم کشیدند و یک صدا خواندند: «چغندرک، چغندرک، آی شیرینک، بیا، بیا. بیرون بیا. از دل خاک بیرون بیا. با یک تکان، با دو تکان، با سه تکان ...». امّا فایده‌ای نداشت.

دل خاک: درون خاک / فایده‌ای: سودی

چغندر از خاک درنیامد. که نیامد. پیرزن، نوه‌هایش را صدا کرد. نوه‌های پیرمرد و پیرزن به کمک آن‌ها آمدند. پیرمرد برگ‌های چغندر را گرفت. پیرزن شال کمر پیرمرد را گرفت. پسرک دامن مادربزرگش را گرفت و دخترک گوشه‌ی کُت برادرش را. کشیدند و کشیدند و یک صدا خواندند: «چغندرک، چغندرک، آی شیرینک، بیا، بیا. بیرون بیا. از دل خاک بیرون بیا. با یک تکان، با دو تکان، با سه تکان، با چهار تکان ...».

شیرینک: شیرینی کوچک

چغندر بالاخره از خاک درآمد. از آن طرف پیرمرد و پیرزن، پسرک و دخترک به زمین افتادند امّا وقتی چشمشان به چغندر افتاد، از خوش حالی فریاد کشیدند: «وای، چه چغندری، شیرینکی، چقدر بزرگ، چقدر بزرگ،... چقدر...بزرگ ...!».

بالاخره: سرانجام

زودتر از آنکه فکرش را بکنید، سر و کلّه‌ی همسایه‌های پیرمرد و پیرزن پیدا شد. همه از دیدن چغندری به آن بزرگی تعجّب کرده بودند.

تعجّب کرده بودند: شگفت‌زده شده بودند

آن روز، پیرزن یک دیگِ بزرگ، آشِ چغندر پخت و آن را میان همسایه ها تقسیم کرد؛ چه آش خوش مزه‌ای! چه چغندر پربرکتی!

ت ت ت

ت خوب فکر کن و با دقّت به پرسش‌ها پاسخ بده.

الف) پیرمرد و پیرزن تصمیم گرفتند چه چیزی در مزرعه بکارند؟ .....

ب) چرا چغندر از خاک بیرون نمی‌آمد؟ .....

پ) عاقبت، چغندر چگونه بیرون آمد؟ .....

ت) فکر می‌کنی کارهای سخت چگونه انجام می‌شود؟ .....

ث) عاقبت، چغندر پربرکت چه شد؟ .....

ت دو کلمه از متن داستان پیدا کن که «ای» در پایان آن‌ها آمده باشد. .....

ت با کلمه‌های تشدیددار داستان، جمله‌های زیبا بنویس. .....

.....

پرسش‌های چهارگزینه‌ای فصل اول (نهادها)

پاسخ صحیح را با علامت ✓ مشخص کن.

۱- کدام گزینه صحیح است؟

الف) ماشین‌ای ب) شانه‌ای پ) گل‌ای ت) کتاب‌ای

۲- به کسی که با شما در یک کلاس درس می‌خواند، ..... می‌گویند.

الف) هم‌فکر ب) همسایه پ) هم‌محلّه ت) هم‌کلاس

۳- املای کدام کلمه صحیح است؟

الف) اهوال‌پرسی ب) احوال‌پرثی پ) احوال‌پرصی ت) احوال‌پرسی

۴- به کدام کلمه نمی‌توان «با» اضافه کرد؟

الف) مزه ب) فکر پ) کتاب ت) سلیقه

۵- نشانه‌ی «و» در کدام کلمه صدای «او» می دهد؟

الف) سوت ب) سواد پ) سوهان ت) استخوان

۶- به کدام کلمه می‌توان «هم» اضافه کرد؟

الف) روزنامه ب) کلاس پ) آرام ت) سراغ

۷- کدام مجلّه برای شما مفید است و می‌توانید آن را بخوانید؟

الف) مجلّه‌ی بزرگسالان
ب) مجلّه‌ی رشد نوجوان
پ) مجلّه ی رشد کودکان
ت) همه‌ی مجلّه‌ها

۸- در بیت‌های زیر، منظور از «من» چه کسی است؟

من یار مهربانم / دانا و خوش‌بیانم / از من مباش غافل / من یار مهربانم

الف) شاعر
ب) عبّاس یمینی شریف
پ) کتاب
ت) آموزگار

۹- املای کدام کلمه صحیح است؟

الف) سحبت
ب) صحبت
پ) سحبط
ت) صحبط

۱۰- نشانه‌ی «و» در کدام کلمه صدای «اُ» نمی‌دهد؟

الف) خوش‌مزه
ب) خوراک
پ) سوار
ت) موز

۱۱- به کسی که هنر دارد، ..... می‌گویند.

الف) باسلیقه
ب) بافکر
پ) باهنر
ت) با شعور

۱۲- پیرمرد و نوه‌هایش چگونه توانستند چغندر را بیرون بیاورند؟

الف) با بیل
ب) با تراکتور
پ) با همکاری
ت) با کندن زمین

۱۳- آش چغندر بین چه کسانی تقسیم شد؟

الف) خانواده
ب) نوه‌ها
پ) همسایه‌ها
ت) فامیل

۱۴- در کدام گزینه‌ی ترتیب قرارگیری کلمات درست است؟

الف) من می‌کنم شروع کارهایم را با نام خدا
ب) من شروع می‌کنم با نام خدا، کارهایم را
پ) من کارهایم را با نام خدا شروع می‌کنم
ت) شروع می‌کنم من کارهایم را با نام خدا